معاون برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد خبر داد

دیدار با مشاهیر ادبیات ایران در مشهد

شخصیت‌های نامدار ادب ایران، هوشنگ مرادی کرمانی، محمدعلی بهمنی و ... با مخاطبان مشهدی خود دیدار خواهند کرد. معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد از برگزاری رویداد گفت‌وگوهای انتقال تجربه در حوزه ادبیات خبر داد. شهریار آل‌شیخ گفت: یکی از راه‌های دستیابی به موفقیت، بهره‌مندی از عنصر تجربه است که می‌تواند در قالب بهره‌گیری از تجربیات شخصی گذشته یا استفاده از تجربه افراد موفق شکل گیرد و در الگوسازی فردی بسیار مؤثر باشد.

او با اشاره به برگزاری رویدادهای گفت‌وگوی انتقال تجربه (EST) در شهرداری مشهد افزود: در نظر داریم فرصت دریافت تجربیات افراد موفق در حوزه‌های مختلف را برای علاقه‌مندان فراهم آوریم. به همین منظور نخستین رویداد را در قالب رویداد گفت‌وگوهای انتقال تجربه، مهرماه سال گذشته با محوریت رسانه برگزار کردیم. و ۷ تیرماه ساعت ۱۰ تا ۱۳ و ۱۶ تا ۲۰ در سالن همایش های شهرکتاب واقع در چهارراه ابوطالب برگزار می‌شود. می‌توان برای کسب اطلاعات بیشتر به تارنمای www.estevents.ir مراجعه کرد.

ضرورت تجدید نظر در شیوه آموزش دستور زبان فارسی

زبان حال

ایرج طوطی| بر مبنای نظام آموزشی چند سال پیش از این، دانش‌آموزان در ۳ سال دبیرستان درس مستقلی با نام «دستور زبان» داشتند که به آموزش دستور زبان فارسی و بیان برخی مسائل زبان شناختی می پرداخت (رشته‌های ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی در درس «زبان فارسی» سال سوم دبیرستان کتاب خاص خود را می‌آموختند که مطالبی تخصصی‌تر را در بر می‌گرفت). دانشجویان دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی نیز ۲ عنوان درسی دوواحدی به نام‌های «دستور زبان فارسی ۱» و «دستور زبان فارسی ۲» می‌گذراندند که در نهایت، گسترش همان مطالب حجم از آموزش دستور که تاکافی به نظر نمی‌رسد در حالی است از آموزش‌های پراکنده این مباحث در لابه‌لای صفحات کتاب‌های «فارسی» دبستان و راهنمایی سابق صرف نظر کرده‌ایم. با این همه، با بررسی نوشته‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی -حتی برخی از دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات فارسی- به نظر می‌رسد یک پای مسئله لنگ می‌زند.

کافی است فقط سه سردرگمی استفاده از نشانه‌های سجاوندی (نشانه‌های نگارشی) در نوشته‌های دم دستی و حتی رسمی پیرامون خود در فضای مجازی، نامه‌های اداری، اعلامیه‌های تبلیغاتی و جزاین‌ها نگاه کنیم. بخشی از این سردرگمی دغیقاًناشی از نداستن نحو است که جزئی از دستور زبان -در نگاهی کلی- به شمار می‌رود.

-از اسرائیل بپرسید دیوار حائل کار می‌کند یا خیر؟ (به کار بردن نشانه پرسشی برای جمله امری)

صورت صحیح: از اسرائیل بپرسید دیوار حائل کار می‌کند یا خیر.

-گاهی از خود بپرسید که اگر با خود ملاقات می‌کردید، آیا از خودتان خوشتان می‌آمد؟! صادقانه به این سؤال جواب دهید و خواهید فهمید که به چه تغییراتی نیاز دارید؟ (۱- به‌کار بردن نشانه پرسشی برای جمله‌های امری و خبری ۲- بیان جمله شرطی به صورت هم‌پایه)

صورت صحیح: گاهی از خود بپرسید که اگر با خود ملاقات می‌کردید، آیا از خودتان خوشتان می‌آمد. اگر صادقانه به این سؤال جواب دهید، خواهید فهمید که به چه تغییراتی نیاز دارید.

مسئله به اندازه‌ای حاد است که به نظر می‌رسد در موارد متعددی، نویسنده قادر به تشخیص مرز جملات نیست و در پایان جملات مستقل، از هر نشانه‌ای جز نقطه استفاده می‌کند:

- پسر کوچکی وارد دارو خانه شد، کارتن کوچکی را به سمت تلفن قل داد.

صورت صحیح: پسر کوچکی وارد داروخانه شد. کارتن کوچکی را به سمت تلفن قل داد.

به علاوه، در نمونه‌هایی، ظاهرا تفاوت مابین ساده و ماضی نقلی برای خیلی‌ها تعریف نشده است:

-منی که می‌بینی اینجا نشستم همه‌چیزمو فروختم.

صورت صحیح: منی که می‌بینی اینجا نشسته‌ام همه‌چیزمو فروخته‌ام. (گفتاری)

-از ظهر یک عالم شیرینی خوردم.

صورت صحیح: از ظهر یک عالم شیرینی خورده‌ام.

این‌ها الفبای دستور زبان است. مثال بسیار است و تهیه فهرستی بلندبالا برای آسیب‌شناسی آن پژوهشی جامع می‌طلبد اما مشت نمونه خروار است.

گویا مشکل از همان جایی آب می‌خورد که پس از ۷ سال آموزش زبان انگلیسی در مدارس و گذراندن دست کم ۷ واحد زبان انگلیسی عمومی و تخصصی در دوره کارشناسی، به ندرت دانش آموخته‌ای را می‌یابیم که بتواند از این مابین، پس از ۷ سال آموزش زبان خارجی استفاده کند و «انتادر کلامدوم» مگر آن هایی که خارج از محیط آموزش رسمی، در مؤسسات خصوصی یا از راه‌هایی دیگر زبان انگلیسی را فرا گرفته‌اند.

دستور زبان، بر خلاف نامش، دستور اینکه چگونه سخن بگوییم نیست. امروزه دستورزبان دیگر از بایدها و نبایدها نمی‌گوید؛ توصیف آن چیزی است که هست. شاید مسئله کوچک به نظر برسد اما شناخت کاربردی ساخت صحیح واژگان (صرف)، ساختار جملات (نحو)، نقش‌های دستوری و- جلو بروز برخی از سوء تفاهم‌ها در مکالمات و مکاتبات روزمره را می‌گیرد و در جهان امروز که حتی تائیه ها می توانند سرنوشت ساز باشند، در زمان صرفه‌جویی می‌کند. لب کلام این است: به نظر می‌رسد صاحب‌نظران باید در روش آموزش دستور زبان در آموزش و پرورش جدا تجدید نظر کنند.

سید علی‌اصغر میرباقری‌فرد، رئیس انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی:

از یک طرف جاذبه و علاقه‌مندی جهانیان به زبان و ادبیاتمان را داریم و از طرف دیگر می‌بینیم کشورهای دیگر برای گسترش زبانشان سرمایه‌گذاری می‌کنند! اما به جای اینکه همیاری آن‌ها حرکت کنیم، فعالیت کرسی‌های زبان فارسی را محدود کرده‌ایم و اکنون در آستانه تعطیل شدن هستند.

آدم‌های حاشیه را ببینیم

گزارشی از تحلیل‌های جامعه‌شناسانه به بهانه نمایش یک فیلم

فرامرز ایرانی| زاغه‌نشینی و آسیب‌ها و پیامدهای آن از مهم‌ترین مشکلات شهرهای بزرگ در جهان امروز است. با گسترش شهر‌ها به دلایلی چون مهاجرت افرادی از مناطق دیگر به آن، فضاهایی حاشیه‌ای شکل می‌گیرد که توزیع امکانات در آن در مقایسه با مراکز شهرها یا نقاط برخوردار، به حداقل می‌رسد. کمبودهایی از این دست، خود، مشکلاتی اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آورد که با مشکلات اقتصادی این شهروندان تناسب دارد. فیلم تحسین‌شده «کفرناحوم» (۲۰۱۸)، ساخته نادین لباکی، فیلم‌ساز لبنانی، چنین مسئله‌ای را سوژه قرار داده و همین امر نیز بهانه‌ای شده است تا کانون هم‌اندیشی معماری مشهد این فیلم را با حضور متخصصان جامعه‌شناسی، شهرسازی و سینما به بحث و بررسی بگذارد. نمایش فیلم و تحلیل و صحبت با محوریت آن، با مشارکت سینما تیک سیتی، انسان‌شناسی و فرهنگ، استودیوی معماری تهران و مکتب تهران، ابتدای هفته جاری در کتابخانه عمومی فلم مشهد برگزار شد.

● روایت سینمایی از فقر فرهنگی

آران جاویدانی، پژوهشگر سینما، در آغاز برنامه به معرفی نادین لباکی پرداخت. فیلم‌سازی که کار سینما را با برنیشگی آغاز کرد و تاکنون ساخت ۵ فیلم بلند «کارامل»، «حالا کجا بروم؟» و «کفرناحوم» را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است. لباکی برای این فیلم اخیر موفق شد جایزه هیئت داوران هفتاد و یکمین جشنواره فیلم کن را از آن خود کند.

جاویدانی در آغاز سخنان خود به ریشه تاریخی «کفرناحوم» اشاره کرد که نام یک روستای باستانی در کنار دریاچه طبریه است. این روستا در انجیل متی محل سکونت حضرت عیسی(ع) خوانده شده و گفته شده بیشترین معجزات مسیح در همین روستا رخ داده است.

به گفته مؤلف کتاب «روزی رفتاری سینماهای تهران»، این فیلم که در داستان آن نیاز به معجزه‌ای احساس می‌شود تا مشکلات آدم‌های فیلم برطرف شود، تمثیلی است از روستایی که معجزات مسیح(ع) در آن اتفاق افتاده است. جاویدانی یادآور شد: در این فیلم از آغاز با یک موسیقی کوبنده و چه‌هایی روبه‌رویم که با تقنگ‌های چوبی بازی می‌کنند. این از بدخیتی‌ای خبر می‌دهد که در جنگ نیست بلکه حاصل فقر فرهنگی و یک جبر جغرافیایی است. «کفرناحوم» در راستان می‌دهد و داستان بچه‌ای را روایت می‌کند که بیش از سنش می‌فهمد و کارهایی می‌کند که بیش از سنش مادرها و پدرها اعتراض می‌کند که اگر نمی‌توانید از پسش بربیایید، بچه‌دار نشوید!

● نادین حاشیه‌ها پیامد دارد

در بخشی دیگر از این برنامه، سید مهدی معینی، شهرساز و مدرس دانشگاه، از اینکه کسانی که باید، آن را نمی‌بینند، اظهار تأسف کرد: من از آقای جاویدانی پرسیدم مخاطب این فیلم کیست. گفت اروپایی‌ها. بعید است اروپایی‌ها این چیزها را ندانند چون خودشان مسبب این وضعیت هستند. در شهر نایل در قلب اروپا که جمعیت پنج‌میلیونی دارد تنها کودکان کار می‌کنند و به جابه‌جایی و فروش مواد مخدر می‌پردازند. ما در دنیا ۲ میلیارد زاغه‌نشین داریم که مسائل آن از امریکای جنوبی، خاورمیانه، هند و کشورهای جهان سوم پیدا می‌کند. انتقادی که من به فیلم دارم این است که نمی‌گوید این وضعیت حاصل چه شرایطی در شهرها به‌ویژه در شهرهای بزرگ کشورهای مختلف است.

این سخنران ادامه داد: لباکی می‌خواسته است در عرض ۳ ساعت به ما نشان بدهد چه کسانی حق زیستن دارند و چه کسانی ندارند؛ اینکه کسانی به سبب جغرافیایی که در آن به دنیا می‌آیند چگونه محکوم به فنا هستند. فیلم با نمایش دادن کودکانی که سیگار می‌کشند و با تفنگ‌های چوبی بازی می‌کنند خشونت را به تصویر کشیده است و بچه‌هایی را نشان می‌دهد که دیده نمی‌شوند و به حساب نمی‌آیند؛ گویی اصلا وجود خارجی ندارند!

معینی با اشاره به معنای واژگانی «کفرناحوم» توضیح داد: این واژه در زبان عبری یعنی «تجمع ناسالم اشیا». در فیلم هم تجمعی از فقر شهری و شهری ویرانه نشان داده می‌شود، سکونتگاه‌های غیررسمی که حاصل بی‌عدالتی یا ناسامانی‌هایی است که در شهرهای بزرگ روزبه‌روز در حال افزایش است و افراد را به حاشیه می‌کشاند.

او همچنین از تعبیر «فقر جدید شهری» سود برد که در بیشتر شهرهای بزرگ در حال گسترش است؛ این تعبیر ما به یاد واژه «حاشیه‌ای بودن فقر» می‌اندازد که حاصل صنعت است. هنگامی که افراد برای کارکردن به شهرهای صنعتی می‌آیند و امرار معاش می‌کنند، اطراف آن سکونت می‌یابند. مثلا در تهران ۵ میلیون حاشیه‌نشین داریم و رشد شهری در اطراف تهران بیش از ۱۰۰ برابر رشد شهری در آن شهر اتفاق افتاده است و این حاصل همین فقر شهری است.

بی‌تفاوتی مدیریت شهری را سبب دامن زدن به «فقر جدید شهری» دانست و برای نمونه گفت: ما در شهری مثل مشهد شاهدیم این هستیم که از حدود ۱۷۰ محله ۵۹ محله در پهنه‌های سکونتگاه‌های غیررسمی و به صورت زاغه‌نشینی زندگی می‌کنند و یک‌سوم جمعیت سه‌میلیونی شهر مشهد در فقر شهری به سر می‌برند. جالب این است که مدیریت شهری بیش از آنکه به درون شهرها نگاه کند آن‌ها را رها کرده است.

او «فقر جدید شهری» را با کتاب «کوری»، رمان مشهور ژوزه ساراماگو، مقایسه کرد که ماجرای مردم یک شهر است که ناگهان همگی بینایی خود را از دست می‌دهند و تنها زن یک پزشک می‌تواند ببیند و اتفاقاتی را که در این شهر می‌افتد روایت کند؛ خیلی تفاوت است بین کسی که کور مادرزاد چنان که اگر شما فقیر به دنیا بیایید متفاوت است با اینکه برتاب شوید به ناحیه‌ای که در آن به فقر و فقر فرهنگی و هزاران مسئله دچار می‌شوید، جایی که امنیت شهری به خطر می‌افتد، نابرابری‌های شهری به وجودمی‌آید، حق سکونت و تخلیه اجباری ایجاد می‌شود (چون بسیاری از زاغه‌نشینان در جاهایی زندگی می‌کنند که در مسیل‌ها، خطوط راه‌آهن، وضعیت‌های غیربهداشتی یا مثلا فضاهای رهاشده و گمشده هستند یا تخلیه اجباری رویه‌رو می‌شوند مانند محله «خاک‌سفید» در تهران که با بولدوزر و لودر آن را صاف کردند)، بزه‌کاری و خشونت و شورش‌های شهری پدیدمی‌آید.

معینی اذعان کرد که مخاطب چنین فیلم‌هایی باید سیاست‌مداران باشند که این پرسش درباره‌شان پیش می‌آید که اگر این مسائل را می‌دانند چرا به آن توجه نمی‌کنند. او یکی از دلایل این وضعیت را نابرابری فضایی خواند که در شهرها بیش از پیش خود را نمایان می‌کند با اقدامات سودآگری‌ای که بر سر زمین اتفاق می‌افتد: خیلی دلم می‌خواهد یکی

عکس: فرشید فرشیدی|شهرآرا

...است. افراد بچه می‌آورند که مشغول باشند، از هم جدا نشوند، در آتلیه از کودک عکس بگیرند و... این پرسش برای کودک فیلم «کفرناحوم» نیز مطرح می‌شود. دو سه سال پیش در یکی از شهرک‌های حاشیه همین مشهد برای بازدید رفته بودیم. در آنجا دختربچه‌های سه‌چهارساله‌ای را دیدیم که موهایشان را رنگ کرده بودند، به نشانه اینکه ازدواج کرده‌اند، اتفاقی که نه‌اثری از مسائل مالی بود.

مسعودی در بخشی از صحبت‌های خود ابراز کرد: در مناطق کم‌برخوردار مانند زاغه‌ها و حلبی‌آباد‌ها مسائل به صورت شبکه‌ای است و این‌ها همدیگر را تقویت می‌کنند؛ یعنی به هم کمک می‌کنند که مسئله‌ای ریشه‌دارتر و طبیعی و بدیهی بشود. ما در بررسی‌هایی که کردیم، برای نمونه، رویارویی خانواده‌ها با مواد مخدر را در مناطق کم‌برخوردار راحت‌تر از مناطق پرخوردار تر دیدیم.

او در مثالی دیگر، سبک ساخت‌وسازهای این مناطق را تقویت کننده فضاهای بی‌دفاع و بزه‌ساز و پنهان‌سازی بزه‌کاران دانست.

این مدرس دانشگاه با بیان اینکه متأسفانه در تحلیل مسائل شهر و جامعه مقطعی نگاه می‌کنیم، مناطق کم‌برخوردار را مناطقی وصف کرد که یک بار بازدید یا مصاحبه یا تحقیق درباره آن‌ها کفایت نمی‌کند و تنها اگر با ساکنان آن زندگی بکنیم می‌توانیم مسائل را به‌خوبی شناسایی کنیم. او افزود: ما با حمایت شهرداری و نهادهای دیگر دربازه ۸ پهنه کم‌برخوردار مشهد مطالعات مختلفی داشتیم. آنچه برایمان مطرح شد این سؤال بسیار کلیدی بود که چرا کسی نمی‌تواند راه‌حلی برای برون‌رفت از این وضعیت ارائه کند. ما در شهر خودمان بیشترین آمار خانوهایی را داریم که پدران فرزندانشان از اتباع بیگانه‌اند و این فرزندان با مشکل بسیار کلیدی نداشتن هویت دوررو می‌شوند. یا در نظر بگیریم در مناطق کم‌برخوردار آموزش پیش از ازدواج، حق انتخاب همسر و مسائلی از این دست جایگاهی ندارد و مردم در آن برای قاعده پایین هرم، یعنی نان و آب و برق، می‌جنگند، نه ازدواج که در بالای هرم قرارمی‌گیرد.

مسعودی کودک مورد بحث فیلم را نه حاصل زاد ولد پدر و مادر بلکه حاصل جامعه دانست: مسئله او یک اتفاق کاملا معمولی در ساختار تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. «کفرناحوم» نمونه‌ای پررنگ‌تر از چیزی است که در کشور و شهر ما هم هست و فکر می‌کنم بهتر این است که ما آدم‌های کفرناحوم‌ها را نجات دهیم تا اینکه بخواهیم محیط را تغییر دهیم، چون آدم‌ها عمر کوتاهی دارند.

استقبال عجیب از نوید، نیما و رفقا

ریز و درشت حاشیه های اکران مردمی فیلم سرخپوست که با حضور برخی از عوامل این فیلم در سینماهای مشهد برگزار شد

گزارش روز

شکیبا افخمی‌راد| نزدیک به ۲۰ روز است که اکران‌های عمومی فیلم «سرخپوست» در سینماهای کشور آغاز شده و در این مدت توانسته است بازخوردهای خوبی بگیرد. هر چند عوامل سرخپوست از آغاز اکران این فیلم، به‌خاطر کم بودن سانس‌های آن نسبت به سانس‌های اختصاص داده شده به فیلم‌هایی چون «شبی که ماه کامل شد» و «ما همه با هم هستیم» گله داشتند. اتفاقی که شاید دلیل فروش کمتر سرخپوست نسبت به ۲ فیلم یاد شده نیز باشد.

اما روز گذشته اکران مردمی فیلم «سرخپوست» با حضور نوید محمدزاده، بازیگر این فیلم، و نیما جاویدی، کارگردان خراسانی آن، در پردیس‌های سینمایی هویزه، اطلس و ویلاژ توریست مشهد، باعث شد تا سانس‌های بیشتری برای این فیلم در نظر گرفته شود. اکران‌هایی که با استقبال پرشور مردم، به‌ویژه طرف‌دار ان نوید محمدزاده، همراه بود.

● از سرخپوست حمایت کنید

دیروز اکران مردمی سرخپوست در مشهد با استقبال کم نظیر علاقه‌مندان به سینما رو به‌رو شد، به طوری که نیما جاویدی و نوید محمدزاده در سانس ساعت ۱۶ سینما هویزه با حدود ۲۰ دقیقه تأخیر و همراه با چند محافظ وارد سالن شماره یک این پردیس سینمایی شدند تا با جمعیت چندصد نفری حاضر در سالن خوش‌بش شوند. خوش‌بشی که با چاشنی گله از کم بودن سانس‌های فیلم سرخپوست نیز همراه بود.

جاویدی در ابتدای صحبت‌هایش ضمن قدردانی از مردم حاضر در سالن که تماشای این فیلم را انتخاب کرده بودند، گفت: برای من باعث افتخار است که در شهر خودم، مشهد، هستم. ما روزهایی که می‌خواهیم اگر فیلم را دوست داشتید به دوستانتان هم تماشای آن را پیشنهاد کنید.

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره فروش سرخپوست در مشهد اظهار کرد: متأسفانه فروش فیلم ما در مشهد کمی ضعیف است. در سینماهای مشهد سانس کمی به سرخپوست اختصاص حضور علاقه‌مندان مشهدی به سینما باعث شود مدیران سینما هم سالن‌های بیشتری را در اختیار سرخپوست قرار دهند.

او برای امیدواری کرد تا بعد از این دیدار و حضور پرشور مردم مشهد، سانس‌های بیشتری برای فیلمش در نظر گرفته شود.

● با بیان اینکه سرخپوست فیلمی مردمی است، از شهروندان مشهدی برای حمایشان از فیلم قدردانی کرد.

نوید محمدزاده هم در صحبت‌های خود از سانس‌های اختصاص داده شده به فیلمی که در آن نقش‌آفرینی کرده بود ابراز ناراحتی کرد: خیلی خوشحالم که به واسطه حضور ما فیلم سرخپوست در سالن اصلی این سینما به نمایش در آمده است و همه شما در این سالن حضور دارید. اگر ما نمی‌آمدیم، فیلم ما در سالن کوچک‌تری اکران می‌شد.

● نیازمند صندلی‌های بیشتر

البته این نخستین بار نیست که کارگردان‌های سینما از چرخه ناعادلانه اکران گله‌مند و احتمالا آخرین بار هم نخواهد بود. اما پرواضح است سینماداران روی فروش فیلم‌های اکران شده حساب ویژه‌ای باز می‌کنند و تعداد سالن‌هایی که به یک فیلم اختصاص داده می‌شود تأثیر بسزایی بر میزان فروش آن دارد. فیلمی همانند سرخپوست که ناخواسته در رقابت با «شبی که ماه کامل شد»، قرار گرفته، همواره با سالن‌هایی که صندلی‌هایشان پر است، به نمایش در آمده است؛ مسئولان برنامه‌ریز می‌توانند سالن‌هایی را با صندلی‌های بیشتر به آن اختصاص دهند.

اگرچه سرخپوست در پایتخت، سالن‌های بیشتر و بهتری دارد اما توجه به اکران شهرستان‌های پرفروشی همانند مشهد هم می‌تواند به موفقیت این فیلم کمک بسزایی کند.

● درحاشیه

همانند همه برنامه‌های این چنینی که در مشهد برگزار می‌شود، پیش‌بینی می‌شد این اکران مردمی برنامه پرشوری باشد، اما حضور دیروز نوید محمدزاده، سینمای هویزه را به قدری شلوغ کرده بود که جایی برای سوزن انداختن نبود.

نوید محمدزاده و نیما جاویدی در سینما هویزه به حاضران در سینما خوش‌بش کردند و وعده دادند بود با آن‌هاعکس یادگاری بگیرند تا دقایقی قبل از شروع اکران در سینما اطلس طرفدارانشان را همراهی می‌کردند. علاقه‌مندان مشهدی به سینما نیز در صف‌های چندلایه منتظر بودند تا با این ۲ سینماگر مطرح چندقیقه‌ای هم‌کلام شوند. برخلاف برنامه‌های مشابه که در مشهد برگزار شده بود، وجود عوامل انتظامات در برنامه به شدت نیاز بود که با برخورد محترمانه موجب حاکم شدن نظم در سینمای هویزه شده بودند. جاویدی و محمدزاده بعد از این اکران نیز راهی سینما اطلس و ویلاژ توریست شدند تا در این ۲ سینما نیز همراه با مخاطبانشان سرخپوست را تماشا کنند.

خبر

جایزه‌ای شیرین

جایزه جشنواره شانگهای به حامد بهداد برای بازی در «قصرشیرین» رسید

زندگی با سینما

نگار راد| سال گذشته در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر بود که حامد بهداد، بازیگر مشهدی سینما، با بازی در فیلم «قصرشیرین» به کارگردانی رضامیر کریمی، توانست با ارائه یک بازی متفاوت، باز دیگر توانایی‌هایش را ثابت کند و کاندیدای دریافت سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد شود اما بهداد در این دوره از جشنواره، قربانی سال بازی‌های خوب بازیگران مرد در فیلم‌های مختلف و درخشش بازیگری چون هوتن شکیبا شد و نتوانست سیمرغ این بخش را از آن خود کند، با این حال بازی بهداد همچنان در نقدهای مختلف سینمایی تحسین می‌شد. حال این بازیگر مشهدی در اولین حضور بین‌المللی‌اش با فیلم «قصرشیرین» توانسته است جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کند.

بر این اساس، مراسم اختتامیه بیست‌ودومین دوره جشنواره فیلم شانگهای، یکشنبه شب برگزار شد و آرای هیئت داوران جایزه بهترین بازیگر مرد به‌طور مشترک به جاناتن فنگ از چین و حامد بهداد از ایران رسید. بهداد که در مراسم اختتامیه حضور نداشت، در ویدیوئی درباره دریافت این جایزه گفت: «با سلام و تشکر از هیئت محترم داوران در فستیوال بزرگ شانگهای خیلی متشکرم از اینکه کار من و بازی من را مورد توجه قرار دادید. من این جایزه را به نیابت از طرف همه بازیگران خوب این فستیوال می‌گیرم و خوشحالم از اینکه من را لایق این جایزه دانستید و متاسفم از اینکه نتوانستم در اینجا حاضر شوم و اجازه می‌خواهم که این جایزه را از طرف شما، خودم و کارگردان فیلم، سیدرضامیر کریمی، تقدیم کنم به عالی جناب کیارستمی که امروز، روز تولدش است.»

همچنین در این جشنواره رضا میرکریمی توانست جایزه بهترین کارگردانی و جام طلایی بهترین فیلم را در رقابت با ۱۵ فیلم از کشورهای آلمان، ایتالیا، هند، چین، ژاپن، فرانسه، گرجستان، برزیل، روسیه و مکزیک دریافت کند. فیلم قصرشیرین با پایان اکران فیلم «ما همه با هم هستیم»، به‌زودی در سینماهای کشور اکران خواهد شد.

نمایشگاه

شکوفایی تئاتر مشهد از «وفا»

بایدها و نبایدهایی برای تنها پردیس تئاتر شرق کشور در مشهد

سیدجواد اشکذری| امکانات سخت‌افزاری از مهم‌ترین عوامل رشد تئاتر یا بهتر بگوییم اقتصاد این هنر است. همواره آثار بسیار خوبی در تئاتر مشهد تولید می‌شود اما به‌دلیل کمبود امکانات سخت‌افزاری در این شهر، اغلب اثرها یا کیفیت اجرا نمی‌شوند. به‌نوعی مشکلات ساختاری تماشاخانه‌های شهر بر کیفیت آثار تاثیر بسیار بدی می‌گذارد، بنابراین کثرت تماشاخانه‌ها از یک طرف و کیفیت آن‌ها از طرف دیگر بر رشد و رکود اقتصاد در هنر تئاتر تاثیر می‌گذارد اما در دهه ۹۰ و در زمان رونق اقتصاد تئاتر به این مهم فکر نشد و در این زمینه هیچ برنامه‌ریزی صورت نگرفت و ما فقط شاهد تاسیس چند تماشاخانه خصوصی بودیم؛ تماشاخانه‌هایی که در حوزه نور و صوت یا جایگاه تماشاگر و سیستم گرمایشی و سرمایشی، دچار مشکلات بسیاری بودند و استاندارد لازم را نداشتند.

اغلب این تماشاخانه‌ها بیشتر از اینکه مخاطب را جذب کنند، بعد از مدتی، او را بیشتر از تماشای تئاتر دور می‌کردند. هیچ‌گاه تئاتر شهر مشهد به عنوان یک مجموعه ساخته نشده و ساختار پردیس یا مجموعه اختصاصی تئاتر را نداشته است. فقط دارای دو سالن است و نکته جالب توجه اینکه بعد از گذشت بیش از ۱۰ سال، هنوز هر دو سالن بوی فرسودگی و مشکلات بسیاری را می‌دهند که موجب شده‌اند تماشاگر نه‌تنها در زمان اجرای تئاتر، آسایش نداشته باشد، بلکه از بودن امنیت هم رنج بکشد. این معضل بعد از چند سال نه‌تنها رفع نشد، بلکه تاسیس تماشاخانه با عناوین سه‌سویه و دوسویه بسیار هم مد شد و در مسیر جریان تئاتری به بر تیلهایی برخی نهادها هم تبدیل گردید ولی بازهم با همان مشکلات عذاب‌دهنده مخاطب. در این شرایط فعلی که مخاطب با همه مشکلات اقتصادی، هزینه بلیت می‌دهد و مشتاقانه در صف تئاتر می‌ایستد، باید برای حفظ وی، برنامه‌ریزی کرد و تدبیری اندیشید.

● ضرورت احداث پردیس تئاتر در مشهد

مشهد بعد از تهران، قطب دوم تئاتر کشور است اما بر خلاف کلان‌شهرهای کشور، از وجود حداقل یک پردیس تئاتری محروم است. در این وادی، شهرداری و شورای اسلامی شهر مشهد بعد از یک سال که به‌عنوان تماشاگر از سالن‌های مختلف تئاتر بازدید کردند و بارهای پای صحبت نمایشگران و تماشاگران تئاتر نشستند، به ضرورت ایجاد یک پردیس تئاتر در مشهد پی بردند. بعد از تصویب این طرح در شورای شهر، معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد از طریق فرم‌های خاصی از هنرمندان تئاتر نظرسنجی کرد و حتی از طریق سایت «مشهدگیشه»، مکان این پردیس را به رأی گذاشت و بعد از نهایی شدن بوستان وفا در بولوار شهیدفکوری، به بسیاری از معماران و طراحان بزرگ کشور درخواست داده شد تا طرح احداث بزرگ‌ترین پردیس تئاتر کشور را ارائه دهند. سه روز پیش بعد از رأی‌دادن، ایده و طرح برگزیده پردیس را شهردار و شورای شهر مشهد رونمایی کردند تا در دو سال آینده به بهره‌برداری برسد.

● مرکزی اختصاصی برای تئاتر

همان‌طور که محمدرضا کلایی، شهردار مشهد، در مراسم رونمایی از طرح نهایی پردیس به‌درستی بیان کرد، باید پردیس تئاتر شهر، به‌صورت اختصاصی در اختیار فعالیت‌های تئاتری قرار گیرد. مرکزی باشد برای تولید و اجرای تئاتر و باید از وجود هرگونه سیستم‌اداری در پردیس خودداری شود و به‌نوعی این مرکز به یاتوق هنرمندان تئاتر مشهد تبدیل گردد.

حتی شهرداری می‌تواند در یک برون‌سپاری، به هنرمندان تئاتر اعتماد کند و مدیریت پردیس را به آن‌ها بسپارد که دغدغه‌های بسیاری هم در این زمینه دارند. البته نظارت بر عملکرد آن‌ها با تشکیل شورای مختلف هم‌اندیشی -قبل از برنامه‌ریزی- و نیز راه‌اندازی شوراهای نظارتی -بعد از اجرای برنامه‌ها- باید در حوزه معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد صورت گیرد.

● یک پردیس کاملا تخصصی

در پردیس تئاتر مشهد علاوه‌بر اختصاصی بودن، باید به تخصصی بودن سالن‌های این مرکز توجه بیشتری بشود؛ یعنی در کنار معماران زبده کشور، هنرمندان صاحب‌نظر تئاتر مشهد هم حضور داشته باشند که سالن‌های تئاتر براساس نیازها و سبک و شیوه‌های رایج امروز تولیدات تئاتری‌های مشهد ساخته شود. ایجاد سالن اختصاصی اجرای تئاتر عروسکی و نیز تئاتر برای کودکان و نوجوانان -به‌عنوان تماشاگران و هنرمندان آینده شهرمان- می‌تواند یکی از ضرورت‌های احداث این پردیس باشد. همچنین سالن‌های پردیس باید هم بلک‌باکس و هم قاب‌صحنه‌ای باشد. با توجه به اینکه فضای آکسوار و دکور نمایش‌ها با هم تفاوت مهمی دارند، در سالن‌های بلک‌باکسی، جایگاه تماشاگر باید پرتابل باشد که صحنه هر نمایشی براساس شکل اجرایی آن تئاتر طراحی گردد. همچنین مشکل اساسی‌ای که اغلب این نوع سالن‌ها دارند، تسلط کارگردان در اتاق فرمان بر اثر خود در زمان اجرا است که باید در طراحی سالن به آن توجه جدی شود، حتی بسیاری از سالن‌های تئاتر تهران هم دارای این مشکل هستند.

این مرکز اگر می‌خواهد به شایستگی عنوان بوستان تئاتر را در سرود ملی بخواند، حتما باید دارای امکانات پشت صحنه بسیار مدرن و قوی به‌خصوص اتاق گریم، کارگاه دکورسازی و نیز ارشیو لباس باشد. فضای آهزار هکتاری پردیس، توقع اهالی تئاتر را هم بالا خواهد برد که انتظار دارند علاوه‌بر مرکز تولید و اجرای تئاتر، پردیس برای آموزش و نیز بازار آثار تئاتری در کشور باشد و علاوه بر اینکه از تولیدات هنری هم حمایت می‌کند، مرکزی برای اجرای بهترین‌های تئاتر کشور هم باشد. به‌طور حتم شورای سیاست‌گذاری پردیس با راه‌اندازی شورای فنی، برنامه‌ریزی منسجمی خواهد کرد تا شأن این مرکز از همان ابتدا با اجرای آثار باکیفیت حفظ شود. مردم مشهد همواره نشان داده‌اند که فرهنگ لازم را برای تماشا به‌خصوص در عرصه‌های تئاتر و سینما دارند اما برایشان هم اهمیت بسیاری دارد که در آسایش نداشته باشند، بلکه از بودن امنیت هم رنج بکشند. این معضل بعد از چند سال نه‌تنها رفع نشد، بلکه تاسیس تماشاخانه با عناوین سه‌سویه و دوسویه بسیار هم مد شد و در مسیر جریان تئاتری به بر تیلهایی برخی نهادها هم تبدیل گردید ولی بازهم با همان مشکلات عذاب‌دهنده مخاطب. در این شرایط فعلی که مخاطب با همه مشکلات اقتصادی، هزینه بلیت می‌دهد و مشتاقانه در صف تئاتر می‌ایستد، باید برای حفظ وی، برنامه‌ریزی کرد و تدبیری اندیشید.

● ضرورت احداث کاملا تخصصی

-درنهایت اگر پردیس تئاتر مشهد به‌شکلی ساخته شود که هم تماینگر، اثرش را باکیفیت اجرا کند و هم تماشاگر از آن لذت ببرد، به‌طور حتم مشهد در این زمینه می‌تواند حرف‌های بسیاری در تئاتر کشور بزند. برنامه‌ریزی منسجم در پردیس تئاتر شهر مشهد می‌تواند هنرمندان را در مسیر «وفا» قرار دهد و پردیس را به‌عنوان خانه بزرگ تئاتر مشهد معرفی کند. این پردیس می‌تواند مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پایگاه تولید و اجرای تئاتر در پایتخت معنوی تئاتر کشور باشد که احداث آن در همان دهه اول قرن بانزدهم، نتایج درخشانی را در جریان برتلاطم تئاتر مشهد به بار خواهد نشاند. امیدواریم پردیس به‌سرعت عملیات عمرانی‌اش را آغاز کند تا شاهد بهره‌برداری آن در زمان شورای پنجم باشیم. بی‌شک دو سال وقت بسیار کمی برای احداث چنین پروژه عمرانی‌ای است -به‌موقع به بهره‌برداری رسیدن پردیس سینمایی هویزه در کمترین زمان و فعالیتش در چند شیفت زمانی، نشان داد که خواستن، توانستن است. با بهره‌برداری پردیس تئاتر مشهد تا قبل از ۱۴۰۰ در زمان مدیریت فعلی شهرداری و شورای پنجم -که نشان دادند همواره دغدغه رشد تئاتر را دارند- این مرکز می‌تواند در مسیر اهداف اجرایی بهتر و بیشتری قرار بگیرد.

● جاذبه‌ای برای مسافران

بوستان وفا با توجه‌به طراوت و سرسبزی که دارد، از پارک‌های شلوغ مشهد به شمار می‌آید. هر چند فضای